



## نگارش به سبک مستقیم در تصمیم‌های شوراها/ دادگاه‌های قانون اساسی

حسین امینی‌پزوه\*<sup>1</sup> ID، هادی طحان‌نظیف<sup>2</sup> ID

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qjplk.2024.1827.1660](https://doi.org/10.22034/qjplk.2024.1827.1660)

### چکیده

تصمیم‌های محاکم، به‌ویژه دادگاه‌ها/ شوراها/ قانون اساسی (ق.ا.)، در پژوهش‌های مختلف، از جنبه‌های گوناگون بررسی می‌شوند. سبک نگارش این تصمیم‌ها یکی از جنبه‌های مهم آن‌ها است که با موضوع‌های مهمی چون مشروعیت، شفافیت، پاسخگویی، و نظارت‌پذیری آن‌ها در ارتباط است. سبک مستقیم یکی از انواع سبک نگارش است. مسئله این نوشتار مطالعه دادگاه‌ها/ شوراها/ ق.ا. از نظر نگارش تصمیم‌هایشان بر اساس این سبک است. این مقاله به روش توصیفی، تحلیلی، و تطبیقی به حل این مسئله پرداخته است. نتیجه اینکه نوعی اجماع بین این نهادها در نگارش به سبک مستقیم شکل گرفته است. به صورت تفصیلی‌تر، امروزه نه تنها شاهد نگارش تصمیم‌های مراجع دادرس ق.ا. متعلق به نظام کامن‌لا با استفاده از این سبکیم، بلکه در نهادهای دادرس ق.ا. در نظام‌های سیویل‌لا هم، از جمله شورای ق.ا. فرانسه، تحولاتی بر اساس نگارش به این سبک شکل گرفته است.

**کلیدواژگان:** تصمیم‌های شوراها/ دادگاه‌های قانون اساسی، سبک نگارش، سبک نگارش غیرمستقیم، سبک نگارش مستقیم.

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران  
(نویسنده مسئول)

\* Email: ho.amini.po@gmail.com



## مقدمه

در مورد سبک نگارش تصمیم‌ها یا احکام قضایی، از جمله تصمیم‌های دادگاه‌ها/شوراهای ق.ا. پژوهش‌های مختلفی در دنیا انجام شده است. سبک نگارش تصمیم‌ها در کنار موضوع‌های دیگری چون فلسفه نگارش، بلندی یا کوتاهی و اعلامی یا اکتشافی بودن لحن، معلوم بودن یا نبودن صدا که همان صدای دادرسی یا دادرسان است، نوع، اسلوب، فصاحت و بلاغت، آهنگ و وزن، روش، شخصیت که به شخصیت نویسنده آن‌ها بازمی‌گردد، انسجام، قدرت، روند، الگو یا قالب، فرم و ساختار و سازمان‌بندی مطالب، و منطق و استدلال و محتوایشان بررسی می‌شود. غیر از موضوع نخست، سایر موضوع‌ها عواملی هستند که بر کیفیت تصمیم‌های قضایی اثرگذارند. این موضوع‌ها، به طور کلی، موضوع‌هایی بسیار انتزاعی‌اند و ارائه تعریف آن‌ها و به تبع مطالعه‌شان دشوار است. سبک نگارش نیز، که قطعاً متفاوت از عناصری چون محتواست، چنین است. تصمیم‌های نهادهای دادرسی ق.ا. در نظام‌های حقوقی مختلف به سبک‌های گوناگون نوشته می‌شود. یکی از دسته‌بندی‌هایی که می‌توان از سبک نگارش آن‌ها ارائه داد نگارش به سبک مستقیم و غیرمستقیم است. ادعا بر آن است که نگارش به سبک مستقیم تأثیر قابل توجهی در ارتقای عملکرد نهادهای دادرسی ق.ا. از جهات گوناگون دارد.

مسئله مقاله حاضر مطالعه عملکرد دادگاه‌ها/شوراهای ق.ا. از نظر نگارش تصمیم‌هایشان به سبک مستقیم است. این مسئله از جهات مختلف دارای اهمیت است. سبک نگارش تصمیم‌ها، به عنوان موضوع مرکزی این پژوهش، گرچه در وهله نخست ممکن است چندان جدی تلقی نشود، با موضوع‌های بنیادین بسیاری ارتباط دارد. دادرسان ق.ا.، به دلیل انتخابی نبودن از سویی و ایستادگی در برابر رأی اکثریت نمایندگان منتخب مردم از سوی دیگر، نیازمند تأمین مشروعیت برای خویش‌اند. وجود قیود و ضوابطی بر سبک نگارش تصمیم‌هایشان از جمله الزامات متعددی است که در همین زمینه بر آن‌ها تحمیل می‌شود. از این رو، ارتقای سبک نگارش می‌تواند جنبه مشروعیت‌بخشی به عملکرد آن‌ها داشته باشد. همچنین، سبک نگارش می‌تواند ارتباط بالایی با شفافیت اعمالشان داشته باشد. چون تصمیماتشان آیینه عملکردشان است. سبک نگارش این تصمیم‌ها، که ممکن است واجد صفاتی چون وضوح و شفافیت یا پیچیدگی و ابهام باشد، تأثیر شگرفی در انعکاس

فعالیت‌هایشان دارد. میزان تعهدشان به پاسخگویی نیز می‌تواند در تصمیم‌هایشان، از جمله در سبک نگارش آن‌ها، بروز یابد. سبک نگارش، از این نظر، می‌تواند مجمل و مختصر یا مفصل باشد و دادرس به ترتیب تنها بخشی یا همه فرایند استدلال ذهنی خود را در تصمیم به نمایش گذارد. به دنبال پاسخگویی، قابلیت کنترل و نظارت عموم بر تصمیم‌های این دادرسان نیز عنصر مهم دیگری است که به تبع رعایت کردن یا نکردن برخی از ضوابط، از جمله الزاماتی در کیفیت سبک نگارش تصمیم‌ها، می‌تواند تسهیل یا باب آن بسته شود. در بین سبک‌های مختلفی که می‌توان برشمرد سبک نگارش مستقیم، در مقابل سبک غیرمستقیم، دارای نکات درس‌آموز بسیاری در زمینه وضوح، سادگی، خلاصه‌گویی، رعایت دستور زبان، و به‌گزینی عبارت‌ها و واژگان است و تأثیر قابل توجهی در متن این تصمیم‌ها خواهد داشت. چنین مطالعه‌ای روند تحولات صورت‌گرفته را در نگارش تصمیم‌های نهادهای دادرس ق.ا. به سبک مستقیم روشن می‌کند. این بررسی می‌تواند به ارتقای سبک نگارش نظرات شورای نگهبان، به عنوان نهاد دادرس ق.ا. داخلی، کمک کند. این‌ها بخشی از جنبه‌های متعدد اهمیت مسئله این مقاله است.

در منابع فارسی، فقط یک مقاله یافت شد (شجاعی ارانی، ۱۴۰۰) که مسئله‌ای مشابه با مسئله این پژوهش را بررسی کرده بود. مقاله یادشده، از سویی، نه تنها سبک نگارش تصمیم‌ها، بلکه محتوای آن‌ها را هم مطالعه کرده و، از سوی دیگر، تنها به شورای ق.ا. فرانسه بسنده کرده است. این در حالی است که مسئله پژوهش کنونی فقط سبک نگارش و البته در عملکرد نهادهای دادرس ق.ا. کشورهای گوناگون است.

بنا بر آنچه گفته شد، پرسش پژوهش حاضر آن است که عملکرد دادگاه‌ها/ شوراهای ق.ا. از نظر نگارش به سبک مستقیم یا غیرمستقیم چگونه است. لازمه پاسخ به این پرسش نخست فهم معنای مفاهیم سبک، سبک نگارش، و سبک نگارش مستقیم در پرتو مطالعه تطبیقی این نهادهاست تا در پایان عملکرد نهادهای دادرس ق.ا. مختلف بر اساس این سبک تبیین شود. بدین ترتیب، این مقاله به روش توصیفی، تحلیلی، و تطبیقی ابتدا منظور از سبک نگارش تصمیم‌های قضایی را تبیین می‌کند و پس از آن سبک نگارش مستقیم و غیرمستقیم را شرح می‌دهد و در پایان عملکرد این نهادها را از این نظر مطالعه می‌کند.

## ۱. مفهوم سبک نگارش تصمیم‌های قضایی

سبک<sup>۱</sup> عبارت از آن بخش از رفتار انسانی است که تنوع فردی را در فعالیت‌ها انعکاس می‌دهد که اگر چنین نبود، آن فعالیت‌ها همه یکسان می‌نمود. مُد مصداق خوبی برای سبک است. درحالی‌که، اغلب، پوشش هر گروهی مشترک است و از طریق پیمانی جمعی ساختار بندی شده، در عین حال، تنوع فردی نیز در آن تحمل و حتی تشویق شده است (McMenamin, 2020: 540).

سبک نگارش نیز از این مفهوم متفاوت نیست. در تحلیل‌های ادبی، سبک نگارش به مشخصه‌های متمایز نوشته‌های هر نویسنده بازمی‌گردد. گاهی نیز در تعریف آن از همنشینی آن در کنار محتوا استفاده می‌شود و بدین ترتیب آن را بر همه ویژگی‌های متن غیر از محتوایش اطلاق می‌کنند (Carlson et al., 2016: 1469–1470). مشابه این تعریف، آن را عبارت از طیفی از گزینه‌ها برای به نگارش درآوردن محتوای یک نوشته دانسته‌اند. مطابق این معنا، هر ایده‌ای را می‌توان به شیوه‌های مختلف نوشت و بدین ترتیب یکی را بهتر و دیگری را بدتر توصیف کرد (Posner, 1995: 1423). در تعریفی دیگر، ضمن اذعان به گریزها و بحث‌برانگیز بودن سبک نگارش به عنوان یکی از شاخصه‌های نگارش حرفه‌ای، از جمله نگارش حقوقی، چند فرضیه نادرست در مورد آن رد شده است که به ما درک بهتری از این مفهوم می‌دهد. از این نظر، سبک نگارش یکی از اجزای جداناپذیر همه نوشته‌هاست و نه فقط برخی از آن‌ها. بحث تنها در مورد به‌کارگیری و بهره‌برداری صحیح از آن است. سبک همچون چاشنی کیک است که از آن جداناپذیر و وجودش اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، متمایز از محتوای کیک یا همان ماده غذایی است (Armstrong & Terrell, 2008: 43).

کامل‌ترین تعریف سبک را در زبان نوشتاری می‌توان تعریف پیش رو دانست: سبک نگارش منعکس‌کننده پاسخ آگاهانه نویسنده به الزامات جنس (ژانر) و زمینه و نیز نتیجه انتخاب‌های ناخودآگاه و عادت‌وار عناصر شکلی دستور زبانی و کارکرد ارتباطی است که در طول دوره‌ای طولانی و فرایندی تجربی در آموزش نگارش به دست می‌آید. بنابراین، سبک سرجمع انتخاب‌های مکرری است که نویسنده آن‌ها را در فرایند نگارش برمی‌گزیند. این انتخاب‌ها عادت‌های نیمه‌آگاه گزینش شده‌اند. پس، سبک نگارش برگزیدن مکرر صورتی بر صورت‌های ممکن دیگر است. انتخاب‌ها همچون نقاطی هستند که از طیفی از گزینه‌های

درست انتخاب می‌شوند (مثلاً، دو نوع صورت کلمه favor/ favour) و گاهی ممکن است از آنچه هنجار است انحراف صورت گیرد (انحراف از قاعده دستور زبانی: /They know it. (They knows it. (McMenamin, 2020: 540).

بنابراین، متفاوت بودن از محتوا و گزینشی بودن را می‌توان دو عنصر اصلی سبک نگارش قلمداد کرد. پس، چنان که گفته‌اند، می‌توان سبک نگارش هر دادرس را منحصربه‌فرد دانست (Gozdz-Roszkowski, 2020: 582). مهم انتخابی آگاهانه و سبکی معقول در نگارش است.

## ۲. مفهوم سبک مستقیم و بی‌تکلف در مقابل سبک غیرمستقیم و حقوقی‌زده

در این قسمت، نخست تعریف و ویژگی‌های سبک مستقیم<sup>۲</sup> و بی‌تکلف و ساده<sup>۳</sup> تبیین می‌شود و نیز شناخت آن از طریق ضد آن، یعنی سبک غیرمستقیم<sup>۴</sup> و حقوقی‌زده،<sup>۵</sup> صورت می‌گیرد. پس از آن، تاریخچه مختصری از تحولات مربوط به آن بیان می‌شود. سپس، مبانی آن مطرح می‌شود تا در مجموع فهم ما از مفهوم این نوع از سبک نگارش بیشتر شود.

### ۲-۱. تعریف و ویژگی‌ها

منظور از سبک مستقیم و بی‌تکلف آن است که دادرسان تصمیم‌هایشان را قابل درک برای جمع بیشتری از مردم بنویسند، نه اینکه صرفاً متخصصان آن را بفهمند. این امر دسترسی به عدالت را از طریق کاربست زبانی روشن محقق می‌کند (Disant, 2019: 111-112).<sup>۶</sup> در این سبک نگارش ویژگی‌هایی چون وضوح، روان بودن، قابلیت فهم، خوانایی، سلیس بودن، شیوایی، سادگی، نداشتن پیچیدگی، مختصرنویسی، و دسترسی‌پذیری تصمیم‌ها برای عموم اهمیت دارد. در مقابل، نگارش به سبک غیرمستقیم است که صرفاً متخصصانی چون دادرسان دیگر محاکم یا وکلا قابلیت بهره‌برداری از تصمیم‌ها را دارند. سبک مستقیم بسته و کدر نیست. این‌ها را نباید ویژگی‌هایی اجتناب‌ناپذیر برای تصمیم‌های قضایی دانست. نگارش به این سبک نیازمند خویش‌داری بیانی و صداقت کلامی است و به خوانندگان بالقوه تصمیم کمک می‌کند (Conrado, 2020: 32). تصمیم‌ها با این سبک به صورت مقاله‌ای و مبسوط نوشته می‌شوند.

بند ۳ بخش ۳ قانون نگارش ساده، در ایالات متحده، که البته صرفاً دستگاه‌های اجرایی را به نگارش اسناد خود به این شیوه الزام کرده است، نگارش بی‌تکلف را چنین معنا می‌کند:

«اصطلاح 'نگارش بی تکلف'<sup>۷</sup> به معنای نگارشی است که روشن، مختصر، به خوبی نظم یافته، و پیرو بهترین روش‌های معمول دیگر، مناسب با موضوع یا زمینه و مخاطب هدف، باشد»<sup>۸</sup>. آنچه در دکتترین بیشتر مغایر با سبک نگارش مستقیم قلمداد شده شیوه‌ای است که به صورت سنتی در فرانسه وجود داشته و می‌توان آن را به صورت خلاصه با شکل‌گرایی (فرمالیسم) تصمیم مرتبط دانست؛ بدین معنا که گویی قالبی واحد، با واژگانی مشخص، برای هر تصمیم، از پیش تهیه شده است و بنا بر موضوع پرونده تصمیم دادگاه در آن صورت‌بندی و ارائه می‌شود. بیان عبارت‌های واحد و کلیشه‌ای مثل «نظر به...»<sup>۹</sup> برای ذکر هر یک از مستندات تصمیم یا عبارت «با ملاحظه...»<sup>۱۰</sup> یا در برخی مراجع «با عنایت به...»<sup>۱۱</sup> در بیان دلایل تصمیم از جمله این واژگان دانسته شده است. همچنین، استفاده از تکنیک جمله واحد، به این معنا که کل تصمیم، هرچند مشتمل بر چندین صفحه، در جمله‌ای طولانی با قیده‌های فراوان یادشده بیان شود، از دیگر نشانه‌های این نوع تصمیم‌هاست. در چنین تصمیم‌هایی، جز در پایان آن، نقطه وجود ندارد و فقط در انتهای بندها نقطه‌ویرگول مشاهده می‌شود. در چنین نظام حقوقی «بسته» ای، همه دعواها در قالب متنی واحد حل می‌شوند؛ در صورتی که در نظام «باز» دادرسان بر اساس همان پرونده شکلی خاص به آرای خود می‌دهند.

در نگارش به این سبک، تأکید بسیار بر وضوح و اختصار متن است که هر دو می‌تواند دسترسی عمومی‌تر به تصمیم را افزایش دهد. گاهی سادگی نیز در کنار این دو ذکر می‌شود (Sivakumar, 2016: 308). یکی از نویسندگان معیار اندازه‌گیری دسترسی‌پذیری تصمیم‌های قضایی را وضوح و مختصرنویسی دانسته است. مبتنی بر وضوح، ارزیابی می‌شود که آیا تصمیم محتوایش را به صورت مؤثر و با استفاده از زبانی که خواننده بتواند درک کند منتقل و از مبانی‌اش دفاع کرده است یا نه. وضوح دارای دو جنبه است؛ وضوح در اندیشه که به محتوا و کیفیت استدلال مرتبط است و وضوح در تبیین که به نحوه ارائه تصمیم بازمی‌گردد. این معیار مشخص می‌کند آیا تصمیم دارای اثر، دستور زبان، نشانه‌گذاری، ساختار، و قالب کلی که برای خواننده قابل فهم باشد هست یا نه. وضوح شرطی ضروری برای قابل فهم بودن تصمیم‌ها است؛ ولی کافی نیست. ممکن است تصمیمی واضح باشد، اما به سبب طولانی بودن بیش از حد و در نتیجه وقت‌گیر بودن خواندن آن به سادگی خواننده عمومی را از دست‌یابی به خود محروم کند. بنابراین، مختصرنویسی هم جنبه دیگری است که مفسران در ارزیابی و سنجش

دسترسی‌پذیری تصمیم از آن استفاده می‌کنند؛ به این معنا که آیا تصمیم استدلال اصلی خود را با استفاده از کمترین واژگان ممکن بیان کرده است یا نه (Serota, 2012: 657). از همین رو است که در این زمینه گفته شده دادرسان باید بیشتر بیندیشند و کمتر بنویسند (Selya, 1994: 414). نکته مهم در مورد وضوح و اختصار جمع بین این دو است. چون گاهی ممکن است توجه بر یکی موجب غفلت از دیگری شود. مثلاً، اختصار بیش از حد ممکن است شفافیت را از بین ببرد یا اصرار بر وضوح زیاد سبب فدا کردن مختصرنویسی شود.

گرچه شگردهای متعددی برای ساده‌نویسی بیان می‌شود، باید آن را چیزی فراتر از این‌ها و نوعی رویکرد دانست. «زبان ساده» رویکردی در نوشتن و طراحی اسناد است که با ارتباط برقرار کردن کارآمد و اثربخش مرتبط است. ساده‌نویسی چیزی بیشتر از واژگان است، بلکه مربوط به سازمان‌دهی نظرات به گونه‌ای است که برای خواننده معنادار شوند و از نظر فیزیکی اسناد را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که آن‌ها را روشن و برای استفاده آسان می‌کند. ساده‌نویسی رویکرد است، نه مجموعه قواعد و سرمشق‌های غیرقابل نقض. این رویکرد خواننده را در اولویت قرار می‌دهد. با اینکه اصطلاح زبان ساده به اصطلاحی هنری تبدیل شده، مهم ارتباط مؤثر است. بنابراین، عملی مکانیکی نیست. ارتباط موفق به این بستگی دارد که دریافت‌کنندگان چگونه تفسیر و از اطلاعات استفاده می‌کنند. این موضوع هم، به همان میزان که نگارنده چگونه پیام را شکل داده، مهم است (Duckworth, 1993: 75 & Duckworth, 2003: 93).

بنا بر آنچه گفته شد، ذهنیت و اراده نویسنده و در موضوع ما دادرس است که در نگارش به این سبک تعیین‌کننده است. با این حال، تکنیک‌ها و اصول متعددی برای آن بیان کرده‌اند. اصول مربوط به «زبان ساده» به دو دسته تقسیم می‌شود: آن‌هایی که به زبان و دستور زبان مربوط است و آن‌هایی که به طرح و ساختار سند ربط دارد. به صورت مختصر، آن را شامل مواردی چون اجتناب از عبارت‌های قدیمی و بیگانه، استفاده از واژگان رایج و آشنا، استفاده از ساختارهای دستور زبانی ساده‌تر، به کار بردن جمله‌های کوتاه‌تر و ساده‌تر، جایگزینی مجهول با معلوم، ترجیح فعل‌ها بر اسم‌ها، فراهم کردن نمای سامان‌یافته‌تر و حاشیه‌ها و فضاهای وسیع‌تر، تقسیم متن به بخش‌ها و عناوین جزئی‌تر، تعریف اصطلاح‌های فنی، استفاده از مثال‌ها، ارائه فهرست مطالب، و استفاده از تکنیک‌های برجسته‌سازی دانسته‌اند (Assy, 2011: 379).

## ۲-۲. تاریخچه

در قرن ۲۰ جنبشی با عنوان «زبان ساده»<sup>۱۳</sup> در سبک نگارش در ایالات متحده آمریکا آغاز شد. در این کشور، قضات و دیگر فعالان حقوقی از زبان حقوقی زده استفاده می‌کردند. اما مردم همواره بر کاربست زبانی ساده از سوی آنان اصرار داشتند. تعارضها بین طرفداران زبان حقوقی سنتی و مدرن تا مدت زیادی وجود داشت. مثلاً، زبان ساده را مستلزم اعمال دستورالعملی بی‌اهمیت می‌دانستند، آن را زبان کودکان فرض می‌کردند، یا خسته‌کننده و مانع از بروز سبک شخصی نویسنده در متن قلمداد می‌کردند. از نظر برخی، این زبان، برخلاف زبان حقوقی سنتی، دقیق نبود. آنها معتقد بودند برخی واژگان و عبارتهای حقوقی، در طول قرن‌ها، سنجش و به کار گرفته شده‌اند و کنار گذاشتن آنها ممکن است دادگاه‌ها را دچار مشکل کند. با این حال، این تعارضها را امروزه دیگر اسطوره قلمداد می‌کنند (Duckworth, 1993: 75; Duckworth, 2003: 93). چون جنبش یادشده امروزه به موفقیت بسیاری دست یافته است.

نگارش خوانا و قابل فهم پیش‌تر، در قرن ۱۹، هم مطرح می‌شد.<sup>۱۴</sup> اما این جنبش در موج اخیر خود، از دهه ۴۰ قرن گذشته، در ایالات متحده، با انتشار آثاری علمی در این زمینه آغاز شد و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ رشد کرد و به گفتمانی حاکم تبدیل شد.<sup>۱۵</sup> این جنبش بر ساده‌نویسی همه اسناد دولتی، به‌خصوص در آغاز پیدایش آن بر ساده‌نویسی اسناد مربوط به مصرف‌کنندگان، به‌ویژه متن قراردادهای، تأکید داشت. هدف آن دسترسی و قابلیت فهم اطلاعات آنها برای عموم مردم بود. رؤسای جمهور این کشور به این موضوع توجه داشته و دستورهایی در خصوص آن صادر کرده‌اند. در آغاز قرن جدید، قانونی هم در این زمینه از سوی کنگره تصویب شده است.<sup>۱۶</sup> در سطح ایالت‌ها هم می‌توان قوانینی در این زمینه یافت. همچنین، هر ساله مسابقاتی درباره این موضوع برگزار می‌شود. دولت آمریکا، در فضای مجازی، پایگاهی برای گردآوری و نمایش منابع مرتبط با این موضوع تأسیس کرده و نهادهای اجرایی را نیز به اختصاص بخشی از تارنمایان به این مسئله واداشته است.<sup>۱۷</sup> بخش خصوصی و شرکت‌های تجاری نیز به صورت داوطلبانه به این جنبش پیوسته‌اند و دیگر قوای حکومتی هم، از جمله محاکم، به‌ویژه دیوان عالی فدرال، فعالیت‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند. فعالیت دادگاه‌ها هم شامل شیوه نگارش مقررات داخلی آنها می‌شد هم شامل سبک نگارش احکام



قضایی که صادر می‌کردند. امروزه، در این کشور، به صورت خاص، برای دادرسان و کارشناسان و مشاوران محاکم و تهیه‌کنندگان پیش‌نویس احکام قضایی و دانشجویان، سمینارها و دوره‌های آموزشی متعددی در زمینه نگارش بی‌تکلف این تصمیم‌ها برگزار می‌شود.<sup>۱۸</sup> خود محاکم نیز به تدوین شیوه‌نامه‌هایی برای نگارش تصمیم‌های قضایی روی آورده‌اند.<sup>۱۹</sup> بعد از ایالات متحده، کشورهای چوون کانادا و انگلستان و حتی دولت‌های اروپای قاره‌ای، به‌خصوص در نهادهای دادرس ق.ا.شان، به این موضوع توجه کردند.<sup>۲۰</sup> روزبه‌روز شاهد پیشرفت در این زمینه در کشورهای مختلفیم. اینترنت را نیز عاملی اثرگذار در این زمینه دانسته‌اند. اینترنت نیاز به نوشته حقوقی روشن‌تر را تقویت کرده است. بسیاری از قوانین و تصمیم‌های دادگاه‌ها به صورت آماده و برخط در دسترس‌اند. پیش‌تر، چنین استدلال می‌شد که نوشته‌های حقوقی زده قابل قبول‌اند. چون فقط حقوقدانان آن‌ها را می‌خوانند. دسترسی به اینترنت این استدلال را به چالش کشید (Cutts, 2020: 254).

به‌رغم این تلاش‌ها، تصمیم‌های دیوان عالی فدرال امریکا همچنان بدون ایراد نیست. یکی از نویسندگان، بیش از دو دهه پیش، به غیرقابل فهم بودن این تصمیم‌ها برای عموم مردم اشاره می‌کند که بیشتر به علت واژگان و عبارت‌های حقوقی و ناآشنا برای آن‌هاست که همواره در این تصمیم‌ها به کار می‌رود و به سبکی غالب و سابقه‌دار تبدیل شده است. او چرایی این عملکرد را ناشی از نوعی فرقه‌گرایی می‌داند که می‌تواند در مذهب، حقوق، پزشکی، یا دانش مالی هم وجود داشته باشد. به صورت کلی، افراد حرفه‌ای روابطشان را با به‌کارگیری مترادف‌هایی که کارشناسان را از عموم مردم جدا می‌کند از فهم دیگران پنهان می‌کنند و تنها اعضای خود آن گروه می‌توانند آن‌ها را بفهمند و با دیگر اعضا ارتباط برقرار کنند (Forrester, 1995: 173–174).

گفته شد نگارش تصمیم‌ها، در محاکم فرانسه و شورای ق.ا. آن، در نقطه مقابل این سبک نگارش قرار داشت. این شورا از ابتدا در نگارش تصمیم‌هایش از عملکرد دیگر دادگاه‌های عالی آن کشور، یعنی شورای دولتی و دیوان نقض حکم (دیوان عالی)، تقلید می‌کرد.<sup>۲۱</sup> علت آن بود که در شش سال نخست فعالیتش با ریاست مشاور دولتی<sup>۲۲</sup> اداره می‌شد. نایب‌رئیس شورای دولتی هم یازده سال در آنجا مستقر بود. منصب دبیر کلی آن هم، تا مدتی طولانی، از سوی یکی از اعضای شورای دولتی اشغال شده بود. بعد از آن نیز تا مدت‌ها اعضای از

شورای دولتی به عضویت آن درمی آمدند. به رغم این‌ها، این شورا نیز، به عنوان قطب و نماد نگارش به سبک غیرمستقیم، ساکن و بی تحول باقی نمانده است. این شورا، با فشار دکترین و در پرتو مطالعات تطبیقی، تصمیم به تغییر در شیوه نگارش تصمیم‌هایش گرفت. شورای ق.ا، پیش از این، با هدف ارتقای کیفیت و شفافیت قوانین، اصل شفافیت قانون مستنبط از ماده ۳۴ ق.ا، اصل هنجاری بودن قانون مستخرج از مواد متعدد اعلامیه حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹،<sup>۲۴</sup> و به خصوص هدف دارای ارزش ق.ا. با عنوان قابل فهم و در دسترس بودن قانون<sup>۲۵</sup> را در تصمیم‌های مختلفش بیان و قانون‌گذار را به رعایت آن‌ها ملزم کرده بود و انتظار می‌رفت که خود نیز در عملکردش به‌ویژه به قابلیت فهم و دسترسی‌پذیری تصمیم‌هایش پایبند باشد. برخی معتقدند قابل فهم بودن قانون قابل فهم بودن نظارت بر قانون را هم در خود دارد و شورای ق.ا. از این طریق، به ناچار، این محدودیت را بر خودش هم تحمیل کرده است (Carcassonne, 2007: 140).<sup>۲۶</sup>

این شورا، از ۲۰۱۶، پیرو اصلاحات صورت گرفته در تصمیم‌های دیوان نقض حکم (دیوان عالی) و شورای دولتی، با شعار مدرن کردن نگارش تصمیم‌ها، تغییراتی را در آن‌ها به عمل آورد. این تحولات، به سبب متأخر بودن، می‌تواند در فهم نگارش به سبک مستقیم آموزنده باشد. لوران فابیوس<sup>۲۷</sup>، رئیس وقت این شورا، در مصاحبه‌ای در آن سال اعلام کرد تصمیم‌های این شورا باید به گونه‌ای باشد که بدون مراجعه به فرهنگ لغت حقوقی فرانسوی قابل خوانش باشد. او از دبیر کل این شورا خواست پیشنهادهای دقیقی در این زمینه ارائه کند. در نهایت، این پیشنهادها به سرعت ارائه و تصویب شد (Fabius, 2016: 50). او، در اعلامیه‌ای در آن سال، به مناسبت انتشار اولین تصمیم به سبک نگارشی جدید،<sup>۲۸</sup> هدف آن را «ساده‌سازی خوانش تصمیم‌های شورای ق.ا. و عمیق کردن استدلال آن»<sup>۲۹</sup> دانسته است. هدف نخست بیان‌شده از سوی او هدفی است که بی تردید با سبک نگارش تصمیم‌ها پیوند خورده است. تغییرات اعمال‌شده در نگارش و استدلال تصمیم‌های شورای ق.ا. به صورت جزئی‌تر شامل موارد زیر است:

– قیده‌های سستی استنادها که مثلاً با عبارت «نظر به ق.ا.» می‌آمد و متون قابل اعمال را نام می‌برد کنار گذاشته شده و با عبارت «با توجه به متون زیر» جایگزین شده‌اند.

- نگارش استدلال‌ها ساده‌تر شده‌اند؛ به‌ویژه با حذف اصطلاح «شکایت (اعتراض)» که مغایر با دسترسی و فهم عموم مردم قلمداد می‌شد. بدین ترتیب، عناوین سنتی مانند «مبتنی بر شکایت‌ها (اعتراض‌ها)» ناشی از شناسایی نکردن «بر اساس دیگر شکایت‌ها (اعتراض‌ها)» که در بسیاری از بندهای استدلال‌ها تکرار می‌شد، یک بار، با عبارت «شورای ق.ا. بر آنچه می‌آید متکی بوده» جایگزین شده است.

- «با ملاحظه»ها دیگر در آغاز بندهای استدلال‌ها استفاده نمی‌شوند.

- عبارت‌ها، به جای نقطه‌ویرگول، با نقطه علامت‌گذاری می‌شوند؛ بدین معنا که جمله‌ها از فاعل و فعل تشکیل می‌شوند. با این حال، به سبب دغدغه آموزشی بودنشان، شماره‌گذاری بندها حفظ شده‌اند.

- در پایان رأی، عبارت «از سوی شورای ق.ا. این‌طور مذاکره شد» هم با عبارت «از سوی شورای ق.ا. این‌طور قضاوت شد» جایگزین شده است (Service de Documentation, 2017: 9; Charité, 2017: 9; des Etudes, 2016: 1-2).

برخی سبک نگارش جدید تصمیم‌های این شورا را سبک مستقیم دانستند (Cassard, 2017: 181). بعضی این تغییرات را مهم شمردند و از آن به «بیگ‌بنگ حقوقی واقعی» تعبیر کردند و آن را موجب فهم بهتر تصمیم‌ها دانستند که به دادرسی امکان نمایاندن واضح‌تر استدلالش را می‌دهد (Rousseau et al., 2016: 350). شورای ق.ا. لبنان نیز ادعا کرده تغییرات در سبک نگارش تصمیم‌های شورای ق.ا. فرانسه در سبک نگارش تصمیم‌های آن نیز اثرگذار بوده و به وضوح و سادگی و عمق بیشتر آن‌ها کمک کرده است (CC du Liban, 2019: 338). اما برخی دیگر، با در نظر گرفتن دو هدف مورد انتظار از این تغییرات، معتقدند این شورا با این تغییرات ساده فقط در دستیابی به هدف اول، یعنی ساده‌سازی خوانش تصمیم‌ها، تا حدودی موفق بوده است (Charité, 2017: 9). خود این شورا نیز در تحلیلی حذف «با ملاحظه»ها و نگارش صرفاً بندها را هم‌سو با دسترس‌پذیرتر کردن استدلال آن‌ها برای عموم دانسته و دیگر اشاره‌ای به هدف دوم، یعنی عمق‌بخشی به استدلال‌ها، نکرده است (CC français, 2019: 298).

چنان که واضح است، عمق‌بخشی استدلال‌ها که از اهداف این اصلاح‌ها ذکر شده بود، بیش از نیاز به تغییر در سبک نگارش، به تحول در محتوای تصمیم‌ها نیاز دارد که به دلیل

خارج بودن از قلمرو پژوهش بررسی نمی‌شود. از همین رو، بعضی، در نگاهی بدبینانه، ارزش تحول در سبک نگارش را هم نادیده گرفته و آن را بی‌خاصیت دانسته‌اند. چون از نظر آن‌ها باید به استدلال حقوقی کامل‌تر و توسعه‌یافته‌تر و تبیینی‌تر بینجامد، نه اینکه ساده‌سازی بدون بهبود استدلال باشد (Drago, 2016: 680-681). در مقابل، یکی از اعضای شورای ق.ا. می‌گوید این شورا نه تنها فرم «با ملاحظه» را که خواندن تصمیم‌ها را برای غیرمتخصصان دشوار کرده بود رها کرده، بلکه دائم مراقب بوده است از صورت‌بندی‌های نامفهوم اجتناب و از واژگانی تا حد امکان ساده و در عین حال به‌جا و دقیق استفاده کند. علاوه بر این، استدلال‌های این شورا هم در مقایسه با گذشته بسیار بهتر شده (Luquiens, 2019: 102) که بررسی آن از موضوع ما خارج است.

### ۲-۳. مبانی

منظور از مبانی علل غایی نگارش تصمیم‌ها به سبک مستقیم است که می‌توان از آن‌ها به مزایای این نوع سبک نگارش نیز تعبیر کرد. گرچه وضوح هر متنی، به‌خودی‌خود، ارزشمند است، موضوع فراتر از این است. در ادامه، به برخی از این مبانی به‌اختصار اشاره می‌شود.

دسترسی بیشتر عموم به تصمیم‌ها: این نوع نگارش در این فرض ریشه دارد که تصمیم‌های حقوقی، به‌ویژه تصمیم‌های دادگاه‌های ق.ا.، به صحبت با مخاطبان گسترده‌تری نسبت به جامعه متخصص حقوقی نیازمندند (Conrado, 2020: 32). بنابراین، فرایند ساده‌سازی متن دسترسی‌پذیری بیشتر آن را برای خوانندگان هدف به همراه دارد (Bhatia, 2010: 44). هر قدر اطلاعات پیچیده‌تر باشد، نویسنده باید دقت بیشتری صرف کند تا آن را ساده‌تر ارائه دهد. اگر لازم باشد خواننده تلاش بیشتری برای فهم جمله‌های بسیار پیچیده‌ای کند که سرشار از جزءهای زیادند و همان جزءها نیز خود جزءهای دیگری دارند، انرژی ذهنی کمتری برای او باقی خواهد ماند تا با خود پیام مواجه شود. از این رو، دادرسانی که (در ایالات متحده آمریکا) نویسندگانی خوب شناخته شده‌اند همگی سبک‌های ساده را ترجیح داده‌اند. آن‌ها توانسته‌اند توجه خوانندگان را جلب و آنان را با تحلیل‌های حقوقی اغلب دشوار همراه کنند. اگر هم نیازی به مکث باشد، خوانندگانشان تنها برای تأمل در محتوا توقف می‌کنند، نه برای کلنجار رفتن با مسیری مه‌آلود که ناشی از کاربست سبکی دست‌وپاگیر است (Good, 1989: xix).

ارتقای استدلال تصمیم‌ها: برخی از این نوع نگارش تصمیم‌ها به نگارش به «زبان طبیعی» تعبیر کرده و آن را در مقابل نثر فوق تکنیکی و حقوقی زده قرار داده‌اند که نه تنها از نظر قابلیت دسترسی، بلکه به علت کمکی که برای اجتناب از افتادن در تله تفکر حقوقی می‌کند، سالم‌تر است (Wald, 1995: 1417). مثلاً، تصمیم‌های کوتاه‌تر را دارای غنای بیشتر دانسته‌اند (Selya, 1995: 1279). یکی از نویسندگان سبک نگارش نوشته‌های حرفه‌ای حقوقی را به هوای کوهستانی تشبیه کرده که خودش نامرئی و شفاف است و دیده نمی‌شود، اما همه چیز از طریق آن دیده و با جزئیات بیشتر نمایان می‌شود؛ به گونه‌ای که شخص تصور می‌کند بینایی‌اش قوی‌تر شده است. از نظر او، سبک در نوشته‌های حقوقی نیز باید چنین باشد و دید ذهنی خواننده را تیزتر کند، نه اینکه توجه او را به چیزهای زائد جلب کند (Armstrong & Terrell, 2008: 43). بنابراین، استفاده از این سبک می‌تواند از مغالطه‌های حقوقی جلوگیری و به اجرای بهتر عدالت کمک کند.

صرفه‌جویی در هزینه‌های مالی و زمانی: اهمیت این سبک نگارش را از نظر مختصرنویسی و روانی در محدودیت منبع زمان و بالا رفتن هزینه فرصت خوانندگان دانسته‌اند (Serota, 2012: 657). خوانندگان تصمیم‌ها نباید برای فهمشان نیازی به مراجعه زمان‌بر به فرهنگ زبان حقوقی داشته باشند (Forrester, 1995: 174). وانگهی، انتشار مکتوب تصمیم‌ها یا ترجمه‌شان به زبان‌های رسمی دیگر در آن کشور، در مواردی که بی‌دلیل طولانی باشند، هزینه‌های قابل توجهی را بر درآمدهای عمومی بار می‌کند.

تقویت حاکمیت قانون: آرای قضایی در نظام‌های کامن‌لا سهم بزرگی در منابع حقوق دارند. برخی تصمیم‌های دیوان عالی فدرال آمریکا را به‌مثابه قانون و بلکه مهم‌تر از آن دانسته‌اند. چون اغلب اساسی‌سازی<sup>۳۱</sup> می‌کنند. ق.ا. تولیدی دادرسان جز با اصلاحیه ق.ا. امکان اصلاح یا تغییر ندارد که آن هم نیازمند تصمیم مردمی با اکثریتی قدرتمند یا تغییر در اراده اکثریت دیوان است (Forrester, 1995: 179). نبود شفافیت در آن‌ها به حاکمیت قانون آسیب جدی وارد می‌کند و برعکس وضوح آن‌ها دسترسی مردم را به قانون ارتقا می‌دهد. یکی از اندیشمندان امریکایی می‌گوید ق.ا.، که ریشه در اراده و رضایت مردم دارد، باید برای عموم مردم قابل فهم بماند تا همچنان رضایتشان بر آن پایدار باشد. مردم، در همه نسل‌ها، باید بتوانند با خوانش ق.ا. و آنچه دیوان عالی بنا کرده است حقوق خود، ارزش‌های حمایت‌شده، و

محدودیت‌های حکمرانان را یاد بگیرند. از این طریق، آن‌ها می‌توانند مسئولیتشان را به عنوان شهروندانی آگاه، در پاسخ به دیوان یا پرسش از چرایی آن، انجام دهند. از این رو، زبان تصمیم‌های این دیوان در تفسیر ق.ا. باید واضح و بدون ابهام باشد (Goldstein, 2010: 5-8). در صورتی که تصمیم‌ها به گونه‌ای نوشته نشود که برای عموم مردم قابل دسترس باشد دادگاه در تکلیف بنیادینش ناکام بوده است. صرف «گفتن آنچه قانون است» کافی نیست، بلکه باید به گونه‌ای بگوید که برای شهروندان قابل فهم باشد (Sullivan & Feldbrin, 2022: 28). بنابراین، این تصمیم‌ها در نظام‌هایی چون امریکا با مشروعیت‌بخشی به ق.ا. و شفافیت‌بخشی به قواعد حقوقی به حاکمیت قانون کمک می‌کنند.

شفافیت عملکرد و پاسخگویی دادرس ق.ا.: نگارش به سبک مستقیم عملکرد نهادهای دادرس ق.ا. را، که جز از طریق تصمیم‌هایشان قابلیت بروز و ظهور ندارند، بیشتر نمایان می‌کند. تصمیم‌های نوشته‌شده به این سبک می‌تواند هر چه بهتر فرایند ذهنی تصمیم‌گیری و نظرات متعارض اعضای آن را برای عموم شفاف کند. روی دیگر این موضوع پاسخگویی دادرس ق.ا. در قبال عملکردش است که در تصمیم‌هایش جلوه‌گر می‌شود.

نظارت عمومی بر دادرسان و تداوم مشروعیت آنان: وضوح و قابلیت دسترسی تصمیم‌های دادرس ق.ا. مقدمه‌ای بر نظارت عمومی بر عملکرد و تداوم مشروعیتشان است. در مورد ارتباط بین قابل فهم بودن تصمیم‌ها و نظارت بر آن‌ها گفته‌اند در نظام دموکراتیک دادرسان همواره نیازمند آن‌اند که فعالیت‌هایشان قابلیت فهم و ارزیابی را از سوی مردم داشته باشد و آنان بتوانند در مورد دادرسان قضاوت و آنها را نقد کنند (Minow, 1990: 801). عمومی و قابل فهم بودن این تصمیم‌ها نظارت اجتماعی را بر آن‌ها تضمین می‌کند. این عناصر خود از تکلیف به انتشار تصمیم‌های قضایی ناشی می‌شود (Francisco Ezquiaga cité par Le Quinio, 2017: 42).

پذیرش عمومی ناشی از فهم تصمیم‌ها: در ادامه نکته پیشین، در صورتی که دادرسان واقعاً بخواهند موجب ارتقای حاکمیت قانون مردم‌سالارانه‌ای بشوند که اشخاص درون قدرت فرامین خود را تبیین و توجیه می‌کنند و انتظار تبعیت صلح‌آمیز از آن‌ها را دارند، باید شیوه بیان حقوق‌زده رایج را کنار بگذارند و از واژگان ساده استفاده کنند (Forrester, 1995: 173-174). تصمیم‌های واضح و مختصر تضمینی بر کامل بودن استدلال است. استدلال روشن و

منسجم نیز امکان فهم و در نتیجه پذیرش تصمیم را فراهم می‌کند (Dürr, 2019: 119).  
حفظ اعتماد عمومی به دادرسان: یکی دیگر از محققان با اعتراف به اینکه سبک‌های نگارشی تصمیم‌ها از نظامی به نظام دیگر متفاوت است آن را قابل ارتقا می‌داند. او نگارش واضح و شفاف تصمیم‌ها را ضروری می‌شمارد. چون در حفظ اعتماد عمومی به دادرسی مؤثر است (Dürr, 2019: 119).

### ۳. عملکرد دادگاه‌ها/ شوراهای ق.ا.

به طور کلی، اعتقاد بر این است که سبک نگارش تصمیم دادگاه‌ها در نظام‌های کامن‌لا مستقیم و در نظام‌های سیویل‌لا غیرمستقیم است (Nollez-Goldbach, 2015: 522-525). با این حال، این را باید توصیفی رادیکال و دوقطبی از این دو فرهنگ و سنت حقوقی دانست. نگارش تصمیم‌های قضایی، با تحولات صورت‌گرفته، به‌خصوص در نظام‌های سیویل‌لا، در طیفی بین دو قطب یادشده و احتمالاً متمایل به قطبی که نویسنده مورد اشاره به آن‌ها اختصاص داده است قرار می‌گیرند.

مثلاً، در توصیف سبک نگارش تصمیم‌های مراجع دادرسی ق.ا.، در کشورهای دارای نظام سیویل‌لا، گفته شده در فرانسه، همچون بلژیک<sup>۳۲</sup> یا لوکزامبورگ، با وجود پیشرفت‌هایی که اخیراً صورت گرفته است، تصمیم‌ها با استفاده از تکنیک «با ملاحظه...»، که از نوشته‌های خواهان‌ها گرفته می‌شود، نگارش می‌یابند و تنها در یک جمله و تا حدود زیادی به صورت خصوصی برای فهم جمعی محدود نوشته می‌شوند. اما در کشورهای امریکای لاتین و اسپانیا تصمیم‌ها، با تفاوت‌هایی در سامان‌دهی و فصل‌بندی نظرات، بیشتر «مقاله»مانند<sup>۳۳</sup> نگاشته می‌شوند (Le Quinio, 2017: 21 & 30-31).

تأکید بر کاربست سبک مستقیم در نگارش تصمیم‌های نظام‌های کامن‌لا همچنان زیاد است. اما روند کلی در نظام‌های سیویل‌لا هم، به‌خصوص نماد سنتی آن‌ها، یعنی فرانسه، به سمت فاصله گرفتن از سبک غیرمستقیم پیش می‌رود. نهادهای دادرسی ق.ا. متأثر از فرانسه، مانند بسیاری از کشورهای افریقایی و آسیایی، پیام تغییرات به‌عمل آمده در شورای ق.ا. فرانسه را دریافت کرده‌اند. این‌ها نشان‌دهنده نوعی اجماع در نهادهای دادرسی ق.ا. در نگارش به سبک مستقیم است. به غیر از ایالات متحده و فرانسه، در جدول ۱، سبک نگارش تصمیم‌های بسیاری از این نهادها، از دو نظام حقوقی مطرح، بر اساس ادعاهای منتسب به خودشان،

به صورت جزئی‌تر بیان می‌شود.

به‌رغم این اجماع، انتظار مشابهت کامل سبک نگارش نهادهای دادرسی ق.ا. در نظام‌های سیویل‌لا با کامن‌لا و حتی در کشورهای متعلق به نظام حقوقی واحد نادرست است. علت آن است که عناصری فرامتنی، همچون سنت حقوقی، آیین دادرسی مانند فرصت رسیدگی، ویژگی‌های دادرسان، یا حجم پرونده‌ها در همه آن‌ها یکسان نیست. مثلاً، شورای ق.ا. فرانسه نمی‌تواند در فرصت رسیدگی یک‌ماهه خود تصمیمی مشابه با دیوان عالی فدرال امریکا، که فرصت رسیدگی بیشتری دارد، بنویسد.

جدول ۱. توضیح سبک نگارش

نام دادرسی ق.ا.	نظام حقوقی	توضیح سبک نگارش
دیوان عالی کانادا	کامن‌لا	می‌کوشد احکامی منتشر کند که برای افرادی از جامعه که دانش حقوقی کمتری دارند قابل فهم باشد؛ تا دسترسی به عدالت بهبود یابد. استفاده از زبان واضح در این دیوان معمول است (Cour suprême du Canada, ۲۰۱۹: ۲۵۷).
دیوان ق.ا. بلژیک	سیویل‌لا	رئیس آن مدعی است این دیوان همواره قصد داشته تصمیم‌هایش را به سبک مستقیم و به صورت ساده و روشن بنویسد (Spreutels, ۲۰۱۹: ۶۴ & ۷۲). بخش نخست تصمیم‌هایش، که شامل سنتز (تلفیق) استدلال‌های اطراف می‌شود، به سبک غیرمستقیم نوشته می‌شود تا بین آنچه اطراف دعوا در دفاع از ادعای خود گفته‌اند و آنچه دیوان می‌گوید خلط نشود. استدلال‌های طرفین در این قسمت به شدت ترکیب و خلاصه و گاهی استدلال‌هایی که در دفاع از ادعایی مشترک گفته‌اند با هم جمع می‌شود. اما قسمت دوم، که مشخص‌کننده حکم دیوان است، به سبک مستقیم و قابل دسترس نوشته می‌شود. دادرسان نخستین این دیوان،



	<p>در واقع، اراده کرده بودند تصمیم‌ها به صورت حقیقی برای همه شهروندان و نه فقط متخصصان قابل فهم باشد. از عبارت‌هایی چون «نظر به» یا «با ملاحظه» استفاده نمی‌کند (۲۰۱-۲۰۰: ۲۰۱۹، CC de Belgique). میشل ملشوار<sup>۳۴</sup>، اولین رئیس این دیوان، می‌گوید از روش نگارش دیوان اروپایی حقوق بشر الهام گرفته‌اند (Arts &amp; Melchior, ۲۰۰۲).</p>	
دیوان ق.ا. ایتالیا	سیویل لا	<p>دست‌کم یک نوع از دو نوع تصمیم‌هایش به صورت فرمولی و با استفاده از قیدهای «با یادآوری اینکه»<sup>۳۵</sup> و «با عنایت به» است (Arlettaz, ۲۰۱۷: ۱۹۹).</p>
دیوان ق.ا. مولداوی	سیویل لا	<p>تصمیم‌ها متشکل از «با ملاحظه»ها و در نهایت حکم نهایی است. مدعی است سبک نگارشش واضح است (CC de Moldavie, ۲۰۱۹: ۳۸۴).</p>
دیوان ق.ا. رومانی	سیویل لا	<p>بیشتر قسمت میانی تصمیم از زاویه سبک نگارش قابل بررسی است. زیرا در قسمت مقدماتی داده‌های ملموسی به صورت پیاپی در مورد پرونده بیان می‌شود. حکم تصمیم هم شامل راه‌حلی است که دلایلی در مورد مطابقت بودن یا نبودن با ق.ا. در خود دارد. نقش این دیوان در تضمین برتری ق.ا. مستلزم این است که استدلالش روشن و صریح و اقناع‌کننده باشد تا اطمینان از اثربخشی نظارت بر مطابقت با ق.ا. حفظ شود. در بخش استدلال‌های تصمیم، از به کار بردن عبارت‌های کوتاه‌شده [ولی کامل از نظر معنا]، لغزان و گریزان، ناقص، یا متناقض خودداری می‌شود. از نظر آن، سبک متضمن بیان جزئیات بی‌فایده و استدلال‌های بی‌ربط و تکرار بی‌هوده ملاحظه‌ها نادرست است. استدلال‌ها به شیوه‌ای سازمان‌یافته و نظام‌مند و در توالی منطقی ارائه</p>

می‌شود؛ به گونه‌ای که منجر به نتیجه نهایی مندرج در حکم تصمیم شود (CC de Roumanie, ۲۰۱۹: ۴۳۳).		
مدعی است از سبک نگارش مستقیم استفاده می‌کند ( CC de Slovénie, ۲۰۱۹: ۴۶۵).	سیویل لا	دیوان ق.ا. اسلونی
سبک نگارش به اندازه کافی و متعادل مستقیم است. تصمیم‌ها نسبتاً ساده و میانه‌رو و با متانت و در واقع غیرمحاوره‌ای است ( Tribunal fédéral Suisse, ۲۰۱۹: ۴۷۵).	سیویل لا	دادگاه فدرال سوئیس
استدلال‌ها پیش از هر چیز شفاف است و بر اساس رویکردهای فلسفی و نظری حقوقی بیان می‌شود (Weber, ۲۰۱۷: ۸۰).	سیویل لا	دیوان ق.ا. آلمان
از شورای ق.ا. فرانسه بسیار متأثر است. تصمیم‌ها دارای انسجام و استدلال‌های سلسله‌مراتبی و معقول است که از عبارت‌های «با ملاحظه»، «با عنایت»، «نظر به»، و مانند آن استفاده می‌کند (CC du Liban, ۲۰۱۹: ۳۳۸).	سیویل لا	شورای ق.ا. لبنان
به سبک مستقیم نوشته می‌شود. با این حال، استفاده از سبک نگارش غیرمستقیم نیز همچنان رایج است ( Tribunal constitutionnel d'Angola, ۲۰۱۹: ۱۸۸).	سیویل لا	دادگاه ق.ا. آنگولا
به سبک مستقیم نوشته می‌شود. با این حال، استفاده از سبک نگارش غیرمستقیم نیز همچنان رایج است ( CC du Gabon, ۲۰۱۹: ۳۰۴).	سیویل لا	دیوان ق.ا. گابن
به سبک مستقیم نوشته می‌شود. با این حال، استفاده از سبک نگارش غیرمستقیم نیز همچنان رایج است ( Tribunal suprême de justice de Guinée ) (Bissau, ۲۰۱۹: ۳۲۲).	سیویل لا	دادگاه عالی عدالت گینه بیسائو

به سبک غیرمستقیم و مشتمل بر قید «با ملاحظه» نوشته می‌شود (CC d'Algérie, ۲۰۱۹: ۱۶۶).	سیویل لا	شورای ق.ا. الجزایر
از قالب «با ملاحظه ...» استفاده می‌کند ( CC du Burkina Faso, ۲۰۱۹: ۲۳۲).	سیویل لا	شورای ق.ا. بورکینافاسو
دبیر کل آن می‌گوید از «با ملاحظه ...» استفاده می‌کنند ( CC du Bénin, ۲۰۱۹: ۲۱۶; Badet, ۲۰۱۹: ۱۴۶).	سیویل لا	دیوان ق.ا. بنین
به استفاده از سبک غیرمستقیم و «با ملاحظه»ها تصریح کرده است (CC de Guinée, ۲۰۱۹: ۳۱۶).	سیویل لا	دیوان ق.ا. گینه
به سبک مستقیم نمی‌نویسد، بلکه با استفاده از «با ملاحظه»ها و به دنبال استدلالی خشک می‌نویسد ( CC de Côte d'Ivoire, ۲۰۱۹: ۲۸۶).	سیویل لا	شورای ق.ا. ساحل عاج
با اینکه با استفاده از «با ملاحظه»ها می‌نویسد، ادعا می‌کند سبک نگارش تصمیم‌هایش مستقیم و گفتمانی است (Haute CC de Madagascar, ۲۰۱۹: ۳۴۳).	سیویل لا	دیوان عالی ق.ا. ماداگاسکار
سبک نگارش تصمیم‌هایش سنتی و غیرشخصی است ( CC du Mozambique, ۲۰۱۹: ۳۹۷).	سیویل لا	شورای ق.ا. موزامبیک
سبک نگارش تصمیم‌هایش مبتنی بر استفاده از تک‌جمله است. فاعل این جمله‌ها دیوان ق.ا. است. در ابتدای آن، از فرمول «به نام اعلی‌حضرت پادشاه و مطابق با قانون» استفاده می‌شود. فعل اصلی این جمله «تصمیم می‌گیرد» یا «اعلام می‌کند» است که استدلال‌ها را از حکم نهایی جدا می‌کند. استنادها و استدلال‌ها به صورت بندهای فرعی این جمله، با واژه «نظر به» و «با ملاحظه»، می‌آید. استفاده از فرمول‌هایی چون «با ملاحظه، با این حال» یا «اگر چه»، به صورت کلی، بخشی از منطق مربوط به سازمان‌دهی استدلال‌های ارائه‌شده از سوی اطراف دعوا در چارچوب دعاوی انتخاباتی یا منطق	سیویل لا	دیوان ق.ا. مراکش

<p>«گفت‌وگویی غیرمستقیم» با قانون‌گذار در نظارت بر مطابقت با ق.ا. است. این دیوان اکنون در اندیشه قابل دستیابی کردن عبارت‌ها با استفاده از سبک نگارشی مستقیم است تا قابل فهم بودن آن‌ها را ارتقا بخشد ( CC du Maroc, ۲۰۱۹: ۳۶۲).</p>		
<p>سبک نگارش تصمیم‌هایش سبک آزاد است و از مدتی قبل «با عنایت به» یا «با ملاحظه» دیگر در تصمیم‌هایش وجود ندارد. با این حال، در بخش استدلال‌ها، تصمیم‌ها یا در سبکی آزاد صورت‌بندی می‌شود یا در قالب این فرمول: «بر اساس ادعای نقض ماده ... ق.ا. در آنچه (اعتراض صورت گرفته از ماده)، درحالی که (آنچه باید انجام شود).» ( CC de la République démocratique du Congo, ۲۰۱۹: ۴۲۱).</p>	سیویل لا	دیوان ق.ا. جمهوری دموکراتیک کنگو
<p>تلاش می‌کند تصمیم‌هایش به قدر کافی قابل درک باشد تا برای گیرندگان آن، اعم از دستگاه‌های عمومی یا افراد، مشکلی در تفسیر آن ایجاد نکند ( CC du Sénégal, ۲۰۱۹: ۴۵۵).</p>	سیویل لا	شورای ق.ا. سنگال
<p>از سبک نگارش غیرمستقیم استفاده می‌کند ( IPCCPL, ۲۰۱۹: ۴۹۶).</p>	سیویل لا	نهاد موقت نظارت بر مطابقت قوانین با ق.ا. در تونس

## نتیجه‌گیری

به صورت سنتی ادعا می‌شود مراجع دادرس ق.ا. در نظام‌های کامن‌لا به سبک نگارش مستقیم تمایل دارند و نهادهای دادرس ق.ا. در نظام‌های سیویل‌لا در نقطه‌ی مقابل آن‌اند. اما تحولات دو دهه‌ی گذشته، به‌خصوص در مراجع قضایی کلاسیک این خانواده‌ی حقوقی، یعنی نهادهای عالی قضایی فرانسه و شورای ق.ا. آن، نشان‌دهنده‌ی تمایل رو به فزونی اغلب دادگاه‌ها/ شوراهای ق.ا. از همه‌ی نظام‌های حقوقی به این سبک نگارش است. پیشتازی شورای ق.ا. فرانسه، در بین این نهادها، از این نظر قابل توجه است که مراجع دادرس ق.ا. بسیاری دیگر از کشورهای متعلق به نظام حقوقی سیویل‌لا از آن متأثر است.

می‌توان نزدیکی تدریجی دو نظام حقوقی سیویل‌لا و کامن‌لا را در موضوع سبک نگارش، مانند نزدیکی در بسیاری دیگر از موضوع‌ها، نتیجه گرفت. با این حال، باید پذیرفت که به علل مختلف مشابهت کامل نگارش تصمیم‌ها در این دو نظام حقوقی ممکن نیست. نظام‌های حقوقی دارای عناصر متعددی هستند که بر این موضوع اثرگذارند. حتی کشورهای دارای نظام حقوقی یکسان هم نمی‌توانند سبک نگارش همانندی داشته باشند. شناخت علل اثرگذار بر سبک نگارش تصمیم‌های این مراجع می‌تواند در ارزیابی دقیق‌تر و ارتقای آن‌ها کمک کند. این موضوع می‌تواند در پژوهش‌های بعدی احصا شود تا امکان دستیابی به رویکردی آگاهانه‌تر در این زمینه ممکن باشد. همچنین، در امکان‌سنجی تحول در نظرات شورای نگهبان، به عنوان دادرس ق.ا. داخلی، نیز می‌تواند مفید باشد.

## یادداشت‌ها

1. style
  2. direct style
  3. plain style
  4. indirect style
  5. legalese style
۶. کاردوزو، از دادرسان مشهور امریکایی، این‌طور گفته است: «عدالت در جایی نیست، مگر اینکه در آنجا دانستن هم باشد.» (Mous 1943: 638).
7. plain writing
  8. US Congress (2010): Plain Writing Act of 2010
  9. vu ...
  10. considérant que ...
  11. attendu
۱۲. در مورد نقش وضوح و مختصرنویسی، همچنین ← Wanderer, 2017: 61; McComb 1949: 382.
13. plain language movement
۱۴. برای نمونه، یکی از نویسندگان در قرن ۱۹، در مورد نگارش اغلب اسناد حقوقی، می‌گوید باید به جای استفاده از سبک تصادفی و ناهمگون از ساختار رایج و عمومی انگلیسی ساده استفاده کرد (Coode, 1845: 67). دیگری نیز، در همین دوره، می‌گوید آن‌ها باید با ساده‌ترین زبان بنویسند و از بسیط‌ترین و کمترین و مناسب‌ترین واژگان استفاده کنند تا آنچه مد نظر دارند به صورت دقیق بیان کنند (Mackay, 1887: 326).
۱۵. برای مشاهده فهرست و معرفی این آثار ← Vance, 2011: 197-231.
16. US Congress (2010): Plain Writing Act of 2010.
۱۷. برای مشاهده جزئیات بیشتر در این زمینه، در ایالات متحده ← Felsenfeld 1981: 408-412; Clauss 2020: 3-34; Williams, 2015.
۱۸. در این باره، برای نمونه، ← Silecchia, 1996.
۱۹. به صورت دقیق‌تر، سبک نگارش را در این کشور در نیمه نخست قرن نوزدهم «سبک والا» نامیده‌اند که نمونه‌های آن دادرسانی چون جان مارشال و جوزف استوری است. در این دوره، دادرسان به عنوان «دهان خدایان» و به صورت روشن و همچون اسپارت‌ها بی‌تجمل می‌نوشتند. بعد از ۱۸۵۰، کیفیت آن‌ها افت کرد و «سبک رسمی» که بر منطق و رویه قضایی تأکید داشت ظهور یافت. در این دوره، تصمیم‌ها بسیار کم‌خوانا تر شدند. چون آشفته، مبهم، اصطلاح‌زده و تخصصی، تکراری، پر از استنادهای رشته‌ای و کاربرد زبان انگلیسی با بی‌دقتی شدند. در آغاز قرن نوزدهم تصمیم‌های الیور وندل هولمز در میان این فضای خاکستری درخشید. شاید نتیجه تأثیر او تصمیم‌های بهتر این دیوان در قرن نوزدهم بود که از نظر بیان بلاغی‌تر و هر چه بیشتر قدرتمندتر و متقاعدکننده‌تر شدند. با این حال، سبک والا از ۱۹۰۰ مرد و سبک رسمی در قالب نظریه‌های حقوق اساسی تازه‌تدوین‌شده و انواع و اجزای لایه‌های مختلف تصمیم‌ها به حیات خود ادامه داد؛ هرچند این سبک نیز با اوج گرفتن واقع‌گرایی حقوقی در حال مرگ است (Llewellyn, 2015: 62-121). در زمینه تاریخچه و دادرسان اثرگذار در سبک نگارش تصمیم‌های دیوان عالی فدرال امریکا، همچنین، ← Domnarski, 1996: 55-75; Goldstein & Lieberman, 2016: 14-18.
۲۰. برای مشاهده برخی از این تحولات در سایر کشورها ← Balmford, 2002: 5.
  ۲۱. شورای دولتی فرانسه در سال‌های اخیر، با تدوین دفترچه راهنمای همراه، سبک نگارش غیرمستقیم را کنار

گذاشته است.

22. conseiller d'état

23. n° 98-401 DC du 10 juin 1998, cons. 7 et 10.

24. n° 2001-455 DC du 12 janvier 2002, cons. 8; n° 2004-500 DC du 29 juillet 2004, cons. 12

25. n° 99-421 DC du 16 décembre 1999

۲۶. شورای ق.ا. لبنان نیز در گزارشی، بر اساس این اصل که هیچ‌کس نباید به قانون بی‌توجه باشد ( nemo censetur ignorare legem)، الزامات مربوط به قابلیت فهم و روشنی و دسترس‌پذیری قانون را قابل تسری به تصمیم‌های این شورا نیز می‌داند. زبان دشوار قابل فهم برای گروهی خاص و به صورت تصنعی دقیق یا عبارت‌زدگی متن به گونه‌ای که تفسیر آن نیازمند نوعی روش تحلیل دستور زبانی منطقی از متن باشد از مواردی است که باید در مورد آن‌ها بازاندیشی شود؛ بدون اینکه با خطر تحقیر شدن از سوی متخصصان حرفه‌ای در دادگستری، به اتهام بی‌تجربگی یا نداشتن شایستگی قضایی، مواجه شود! اساس زبان حقوقی، همان‌طور که قانون مدنی قدیم فرانسه بر آن گواه است، وضوح است (Conseil constitutionnel du Liban, 2019: 330).

27. Laurent Fabius

28. n° 2016-539 QPC et 2016-540 QPC.

۲۹. متن کامل این اعلامیه در نشانی:

[www.conseil-constitutionnel.fr/actualites/communiqué/communiqué-du-president-du-10-mai-2016](http://www.conseil-constitutionnel.fr/actualites/communiqué/communiqué-du-president-du-10-mai-2016)

۳۰. خدمات حقوقی شورای ق.ا. در تفسیر تصمیم n° 2016-540 QPC du 10 mai 2016 هدف شورا را

«مدرن کردن روش نگارش تصمیم‌ها» و «تقویت قابلیت فهم و خوانایی تصمیم‌هایش و در عین حال امکان ارائه استدلالی عمیق‌تر در آن‌ها» دانسته است.

Commentaire Décision n° 2016-5 40 QPC du 10 mai 2016.

31. constitutionalize

۳۲. در مورد بلژیک ← Verdussen, 2017: 111

33. dissertation

34. Michel Melchior

35. retenu que

## منابع

## منابع فارسی

شجاعی ارانی، س. (۱۴۰۰). شیوه نوین نگارش و ساختار آرای شورای قانون اساسی فرانسه در زمینه سازگاری قوانین عادی و ساختاری با قانون اساسی. *دانش حقوق عمومی*، ۱۰ (۳۳)، ۸۳ - ۱۱۰.

## منابع انگلیسی

- Arlettaz, J. (2017). CC ITALIENNE. In *L'élaboration des décisions des cours constitutionnelles et européennes*, (184-200).
- Armstrong, S. V. & Terrell, T. (2008). Understanding "Style" in Legal Writing. *Perspectives*, 17 (1), 43-47.
- Arts, A. & Melchior, M. (2002). Entretien avec MM. Alex Arts et Michel Melchior, Présidents de la Cour d'arbitrage de Belgique. *Cahiers du CC*, (12).
- Assy, R. (2011). Can the Law Speak Directly to its Subjects?. *Journal of Law and Society*, 38 (3), 376-404.
- Badet, G. (2019), LE CAS DES DÉCISIONS DE LA CC DU BÉNIN. In *L'écriture des décisions* (145-149), Paris: (ACCPUF).
- Balmford, C. (2002). Plain Language: beyond a 'movement'. 4th International conference. Toronto, (PLAIN).
- Bhatia, V. K. (2010). Legal Writing: Specificity. In *The Routledge Handbook of Forensic Linguistics* (37-50). New York: Routledge.
- Carcassonne, G. (2007). L'intelligibilité des décisions du CC. *La qualité des décisions de justice*. CEPEJ.
- Carlson, K.; Livermore, M. & Rockmore, D. (2016). A Quantitative Analysis of Writing Style on the U.S. Supreme Court. *Washington University Law Review*, 93 (6), 1461-1510.
- Cassard-Valembos, A. (2017). CC FRANÇAIS. In *L'élaboration des décisions des cours constitutionnelles et européennes* (133-184).
- Catalina, R. (2015). Plain English in Legal Language. *Alicante Journal of English Studies*, (28), 147-163.
- CC d'Algérie (2019). CC d'Algérie. In *L'écriture des décisions* (175-181). Paris: (ACCPUF).
- CC de Belgique (2019). CC de Belgique. In *L'écriture des décisions* (193-209), Paris: (ACCPUF).
- CC de Côte d'Ivoire (2019). CC de Côte d'Ivoire. In *L'écriture des décisions* (283-290). Paris: (ACCPUF).



- CC de Guinée (2019). CC de Guinée. In *L'écriture des décisions* (313-318). Paris: (ACCPUF).
- CC de la République démocratique du Congo (2019). CC de la République démocratique du Congo. In *L'écriture des décisions* (413-423). Paris: (ACCPUF).
- CC de Moldavie (2019). CC de Moldavie. In *L'écriture des décisions* (375-386). Paris: (ACCPUF).
- CC de Roumanie (2019). CC de Roumanie. In *L'écriture des décisions* (425-444). Paris: (ACCPUF).
- CC de Slovénie (2019). CC de Slovénie. In *L'écriture des décisions* (457-470). Paris: (ACCPUF).
- CC du Bénin (2019). CC du Bénin. In *L'écriture des décisions* (211-227). Paris: (ACCPUF).
- CC du Burkina Faso (2019). CC du Burkina Faso. In *L'écriture des décisions* (228-234). Paris: (ACCPUF).
- CC du Gabon (2019). CC du Gabon. In *L'écriture des décisions* (299-312). Paris: (ACCPUF).
- CC du Liban (2019). CC du Liban. In *L'écriture des décisions* (325-339). Paris: (ACCPUF).
- CC du Maroc (2019). CC du Maroc. In *L'écriture des décisions* (357-367). Paris: (ACCPUF).
- CC du Mozambique (2019). CC du Mozambique. In *L'écriture des décisions* (393-399). Paris: (ACCPUF).
- CC du Sénégal (2019). CC du Sénégal. In *L'écriture des décisions* (445-455). Paris: (ACCPUF).
- CC français (2019). CC français. In *L'écriture des décisions* (290-298). Paris: (ACCPUF).
- Charité, M. (2017). Réflexions sur la modernisation du mode de rédaction des décisions du CC. *Revue générale du droit*.
- Clauss, H. B. (2020). The History of the Plain Language Movement and Legal Language. *CHP*, 3–34.
- Conrado, H. M. (2020). A deliberative style is a moral style, 1–36.
- Cour suprême du Canada (2019). Cour suprême du Canada. In *L'écriture des décisions* (248-265). Paris: (ACCPUF).
- Cutts, M. (2020). *Oxford guide to plain English*. Oxford: OUP.
- Disant, M. (2019). Synthèse générale des travaux. In *L'écriture des décisions* (107-118), Paris: (ACCPUF).
- Domnarski, W. (1996). *In the opinion of the court*. Urbana: UIP.
- Drago, G. (2016). *Contentieux constitutionnel français*. Paris: PUF.

- Dürr, S. R. (2019). Intervention du représentant de la Commission de Venise. In *L'écriture des décisions* (119-121). Paris: (ACCPUF).
- Fabius, L. (2016). La présence des ex-présidents au CC doit être supprimée. *Le Monde*.
- Felsenfeld, C. (1981). The plain English movement. *Can. Bus. LJ*, 6, 408–446.
- Forrester, R. (1995). Supreme Court Opinions-Style and Substance. *Hastings L.J.* 47 (1), 167.
- Goldstein, J. (2010). *The intelligible Constitution*. New York: OUP.
- Goldstein, T. & Lieberman, J. K. (2016). *The lawyer's guide to writing well*. California: UCP.
- Good, C. E. (1989). *Mightier than the sword*. Charlottesville VA: BJP.
- Gozdz-Roszkowski, S. (2020). Move Analysis of Legal Justifications Constitutional Tribunal Judgments Poland. *Int J Semiot Law*. 33 (3), 581–600.
- Haute CC de Madagascar (2019). Haute CC de Madagascar. In *L'écriture des décisions* (341-347). Paris: (ACCPUF).
- IPCCPL (2019). Instance provisoire de contrôle de la constitutionnalité des lois de Tunisie. In *L'écriture des décisions* (491-518). Paris: (ACCPUF).
- Le Quinio, A. (2017). La motivation des décisions du CC au prisme du modèle ibéro-américain. *Les Nouveaux Cahiers du CC*. 55-56 (2), 33–43.
- Llewellyn, K. N. (2015). The Common Law Tradition. Deciding Appeals. *Quid Pro, LLC*.
- Luquiens, C. (2019). L'écriture des décisions. In *L'écriture des décisions* (99-102). Paris: (ACCPUF).
- Mackay, A. (1887). Introduction to an Essay on the Art of Legal Composition Commonly Called Drafting. *L. Q. Rev.* 3, 326.
- McComb, M. F. (1949). A Mandate from the Bar: Shorter and More Lucid Opinions. *ABA Journal*. 35 (5), 382–384.
- McMenamin, G. R. (2020), *Forensic stylistics*. Coulthard, Malcolm; Johnson, Alison (Eds), London: Routledge, 539-558.
- Minow, M. L. (1990). Judging Inside Out. *U. Colo. L. Rev.* 61, 795–801.
- Mous, A. Y. (1943). The Speech of Judges. *Va. L. Rev.* 29 (5), 625-641.
- Nollez-Goldbach, R. (2015). Le style judiciaire métissé de la Cour pénale internationale. *Droit et société*. 91 (3), 521–532.
- Posner, R. (1995). Judges' Writing Styles. *University of Chicago Law Review*. 62 (4), 1421-1451.
- Rousseau, D; Pierre-Yves, G. & Julien, B. (2016). *Droit du contentieux constitutionnel*. Paris: LGDJ.

- Selya, B. M. (1994). Publish and Perish. *OSLJ*, 55 (2), 405-414.
- Selya, B. M. (1995). In Search of Less. *TLR*. 74, 1277-1280.
- Service de Documentation des Etudes de La Cour de Cassation (2016), Les modifications de rédaction et de motivation des décisions du CC, Bureau du droit public et du droit constitutionnel.
- Shujaei Arani, S (1400). The New Writing Method and Structure of the Decisions of the French Constitutional Council in the field of Conformity of Ordinary and Organic Laws with the Constitution. *Knowledge Quarterly of Public Law*, 10(33), 83-110.
- Silecchia, L. (1996). Legal Skills Training in the First Year of Law School, *Scholarly Articles*, 246-291.
- Sivakumar, S. (2016). JUDGMENT OR JUDICIAL OPINION. *JILI* 58 (3), 273-312.
- Spreutels, J. (2019). LA MOTIVATION DES ARRÊTS DE LA CC DE BELGIQUE. In *L'écriture des décisions*. Paris: (ACCPUF).
- Sullivan, B. & Feldbrin, R. (2022). The Supreme Court and the People. *JCL*, 1-90.
- Tribunal constitutionnel d'Angola (2019). Tribunal constitutionnel d'Angola. In *L'écriture des décisions* (182-192). Paris: (ACCPUF).
- Tribunal fédéral Suisse (2019). Tribunal fédéral Suisse. In *L'écriture des décisions* (471-478). Paris: (ACCPUF).
- Tribunal suprême de justice de Guinée Bissau (2019). Tribunal suprême de justice de Guinée Bissau. In *L'écriture des décisions* (319-323). Paris: (ACCPUF).
- Vance, R. C. (2011). Judicial opinion writing: An annotated bibliography. *Legal Writing: J. Legal Writing Inst.*, 17, 197-231.
- Verdussen, M. (2017). CC BELGE. In *L'élaboration des décisions des cours constitutionnelles et européennes*, 86-112.
- Wald, P. (1995). The Rhetoric of Results and the Results of Rhetoric. *U Chi L Rev* 62 (4), 1371-1419.
- Wanderer, N. (2017). Writing Better Opinions. *Maine Law Review*. 54 (1), 47-70.
- WEBER, R. (2017). CC ALLEMANDE. In *L'élaboration des décisions des cours constitutionnelles et européennes*, 60-86.
- Williams, C. (2015). Changing with the Times: The Evolution of Plain Language in the Legal Sphere. *Alicante Journal of English Studies*, (28), 183-203.